



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات

گرایش فلسفه و حکمت اسلامی

**عنوان پایان نامه**

**مراتب عقل انسان و ارتباط آن با عقل فعال از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا**

استاد راهنما:

دکتر سیمین اسفندیاری

استاد مشاور:

دکتر عباس زین العابدینی

نگارش:

لعل سلگی

مهرماه ۱۳۹۲



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی گرایش  
فلسفه و حکمت اسلامی

دانشجو: لعلا سلگی

**تحت عنوان:**

**مراتب عقل انسان و ارتباط آن با عقل فعال از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا**

در تاریخ  
توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه  
به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنما دکتر سیمین اسفندیاری با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء

۲- استاد مشاور دکتر عباس زین العابدینی با مرتبه‌ی علمی مربی امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر اسداله آژیر با مرتبه‌ی علمی استادیار امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر امیر شیرزاد با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضاء

## «الحمد لواسب العقل والحكمة»

### شکر و قدردانی

سپاس خدای را که در حرکت و سکونی، در بین منت اویم.

از سرکار خانم دکتر اسفندیاری استاد راهنما، که مساعدت و راهنمایی وافر را در انجام مراحل پایان نامه به اینجانب ارزانی داشتند و مرا از رهنمودهای علمی خویش بهره‌مند ساختند و نیز جناب آقای دکتر زین العابدینی استاد مشاور، که با دایت و نکته‌سنجی تمام در طول تحقیق تلاش بی‌دریغ خود را جهت تنظیم این رساله مبذول داشتند، شکر و قدردانی می‌نمایم و از ایزد منان سلامتی، شادکامی و موفقیت روز افزون برای این بزرگواران مسئلت دارم.

از اساتید محترم جناب آقای دکتر شیرزاد و جناب آقای دکتر آژیر که داور این پایان نامه را بر عهده داشتند کمال شکر و امتنان را داشته و توفیق روز افزون آنها را از خداوند تعالی خواستارم.

همینطور از خانواده عزیزم که همواره یار و یاور من بوده، کمال شکر را داشته و از درگاه ایزد منان برای آنها آرامشی آسمانی می‌طلبم. و در نهایت از دوستان عزیزم خانم هایمه احمدی، باجر امیری، افسانه منصوره جلیلیان، لیلا نوروزی، صفورا طائفی، نرگس عبدی، سعیده نعیم و فاو رجیحی که همواره یار یکدم بودند سپاسگزار و قدردانم، امید که توفیق حق رفیق راهشان باشد.

«وما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه انیب».

تقدیم به زیباترین‌های زندگیم

پدرم که اسطوره صبر، ایثار و اخلاق نیکوست.....

و مادرم که وجودش برکت و دعایش سرمایه زیستگم است.....

«به پاس پاس ذره‌ای از زحماتشان»

## چکیده

پژوهش حاضر به منظور ارائه و تطبیق دیدگاه شیخ الرئیس، ابوعلی سینا و صدرالمتهلین شیرازی در باب مراتب عقل انسان و ارتباط آن با عقل فعال تدوین یافته است.

با توجه به اهمیت مسأله عقل انسان و نقش عقل فعال، به عنوان موجودی خارج از نفس انسانی در به فعلیت رساندن مراتب عقل انسان و استكمال قوه عاقله از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا، این پژوهش در نظر دارد که به ارائه و تطبیق دیدگاه این دو فیلسوف اسلامی در باب مراتب عقل انسان و ارتباط آن با عقل فعال بپردازد. برای این منظور بعد از بیان معنی لغوی و اصطلاحی عقل، ضمن ارائه آراء ابن سینا و ملاصدرا به تطبیق دیدگاه آن دو فیلسوف دربارهٔ نفس شناسی، عقل انسان و مراتب آن، عقل فعال و ارتباط مراتب عقل انسان با آن پرداخته شده است.

مباحث مطرح شده در این رساله روشن می‌سازد که از دیدگاه هر دو فیلسوف عقل نظری دارای چهار مرتبه عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل بالمستفاد می‌باشد و نفس انسانی تنها به یاری عقل فعال می‌تواند مراتب عقل را پشت سر بگذارد و از مرتبه قوه به فعلیت برسد. در ساحت معرفت شناختی سینوی و صدرایی فرایند معرفت با فرض وجود این موجود عقلانی و ماورائی تکمیل می‌گردد؛ اما در ارتباط با تبیین رابطهٔ نفس با عقل فعال، از منظر ابن سینا نفس در مرتبه عقل بالمستفاد با عقل فعال اتصال می‌یابد، ولی از دیدگاه ملاصدرا نفس در مرتبه عقل بالمستفاد با عقل فعال اتحاد می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** ابن سینا، انسان، مراتب عقل، عقل فعال، ملاصدرا.





- ۳۱ ..... ۲-۲-۲- اقسام نفس
- ۳۱ ..... ۲-۲-۱- دیدگاه ابن سینا
- ۳۵ ..... ۲-۲-۲- دیدگاه ملاصدرا
- ۳۶ ..... ۲-۲-۳- تطبیق و بررسی
- ۳۷ ..... ۲-۳-۳- وحدت نفس
- ۳۷ ..... ۲-۳-۱- دیدگاه ابن سینا
- ۳۸ ..... ۲-۳-۲- دیدگاه ملاصدرا
- ۳۸ ..... ۲-۳-۳- تطبیق و بررسی
- ۳۹ ..... ۲-۴-۴- حدوث نفس
- ۳۹ ..... ۲-۴-۱- دیدگاه ابن سینا
- ۴۰ ..... ۲-۴-۲- دیدگاه ملاصدرا
- ۴۱ ..... ۲-۴-۳- تطبیق و بررسی
- ۴۳ ..... ۲-۵-۵- ادراک نفس
- ۴۳ ..... ۲-۵-۱- تعریف ادراک
- ۴۳ ..... ۲-۵-۱-۱- دیدگاه ابن سینا
- ۴۳ ..... ۲-۵-۱-۲- دیدگاه ملاصدرا
- ۴۴ ..... ۲-۵-۱-۳- تطبیق و بررسی
- ۴۴ ..... ۲-۵-۲- اقسام ادراک
- ۴۴ ..... ۲-۵-۱- دیدگاه ابن سینا
- ۴۶ ..... ۲-۵-۲-۲- دیدگاه ملاصدرا
- ۴۸ ..... ۲-۵-۲-۳- تطبیق و بررسی
- ۵۰ ..... ۲-۵-۳- نحوه ادراک و دریافت صور عقلیه
- ۵۰ ..... ۲-۵-۳-۱- دیدگاه ابن سینا
- ۵۱ ..... ۲-۵-۳-۲- دیدگاه ملاصدرا
- ۵۱ ..... ۲-۵-۳-۱- تبیین اول: مشاهده عقلی (مشاهده رب النوع از دور)
- ۵۳ ..... ۲-۵-۳-۲- تبیین دوم: اتحاد با عقل فعال (افاضه عقل فعال)

- ۵۳.....۲-۵-۳-۲-۳- تبیین سوم: خلاقیت نفس (خلق و انشای صور عقلی).....
- ۵۴.....۲-۵-۳-۲-۴- رفع تناقض از سخنان صدرا.....
- ۵۵.....۲-۵-۳-۳- تطبیق و بررسی.....
- ۵۷.....۲-۶- خلاصه فصل.....

### فصل سوم: عقل با رویکرد ابن‌سینایی و صدرايي

- ۶۰.....۳-۱- تعریف عقل.....
- ۶۰.....۳-۱-۱- دیدگاه ابن‌سینا.....
- ۶۱.....۳-۱-۲- دیدگاه ملاصدرا.....
- ۶۲.....۳-۲- عقل نظری و عقل عملی.....
- ۶۲.....۳-۱-۲- دیدگاه ابن‌سینا.....
- ۶۷.....۳-۲-۲- دیدگاه ملاصدرا.....
- ۷۰.....۳-۲-۳- تطبیق و بررسی.....
- ۷۱.....۳-۳- مراتب عقل نظری انسان.....
- ۷۱.....۳-۱-۳- دیدگاه ابن‌سینا.....
- ۷۲.....۳-۱-۱- مرتبه اول یا عقل هیولانی.....
- ۷۳.....۳-۱-۲- مرتبه دوم یا عقل بالملکه.....
- ۷۵.....۳-۱-۳- مرتبه سوم یا عقل بالفعل.....
- ۷۵.....۳-۱-۴- مرتبه چهارم یا عقل مستفاد.....
- ۷۸.....۳-۲- دیدگاه ملاصدرا.....
- ۷۸.....۳-۱-۲- مرتبه اول یا عقل هیولانی.....
- ۸۱.....۳-۲-۲- مرتبه دوم یا عقل بالملکه.....
- ۸۲.....۳-۲-۳- مرتبه سوم یا عقل بالفعل.....
- ۸۳.....۳-۲-۴- مرتبه چهارم یا عقل مستفاد.....
- ۸۴.....۳-۳- تطبیق و بررسی.....
- ۸۵.....۳-۴- عقل قدسی.....
- ۸۵.....۳-۱-۴- دیدگاه ابن‌سینا.....

۸۶	..... دیدگاه ملاصدرا ۳-۴-۲
۸۷	..... مراتب عقل نظری و تفسیر آیه نور ۳-۵-۵
۸۷	..... دیدگاه ابن سینا ۳-۵-۱
۸۸	..... دیدگاه ملاصدرا ۳-۵-۲
۸۹	..... خلاصه فصل ۳-۶-۶

### فصل چهارم: عقل فعال و جایگاه آن در فلسفه سینوی و صدرایی

۹۲	..... خاستگاه پیدایش عقل فعال ۴-۱-۱
۹۵	..... جایگاه و نقش عقل فعال در فلسفه مشاء ۴-۲-۲
۹۷	..... تعریف و اثبات عقل فعال ۴-۳-۳
۹۷	..... دیدگاه ابن سینا ۳-۴-۱
۹۹	..... دیدگاه ملاصدرا ۴-۳-۲
۱۰۱	..... تطبیق و بررسی ۴-۳-۳
۱۰۱	..... ارتباط نفس انسانی و عقل فعال ۴-۵-۵
۱۰۱	..... دیدگاه ابن سینا ۴-۵-۱
۱۰۳	..... ارتباط مراتب عقل نظری با عقل فعال ۴-۵-۱-۱
۱۰۳	..... ارتباط عقل هیولانی با عقل فعال ۴-۵-۱-۱-۱
۱۰۴	..... ارتباط عقل بالملکه با عقل فعال ۴-۵-۱-۲
۱۰۵	..... ارتباط عقل بالفعل با عقل فعال ۴-۵-۱-۳
۱۰۵	..... ارتباط عقل مستفاد با عقل فعال ۴-۵-۱-۴
۱۰۵	..... دیدگاه ملاصدرا ۴-۵-۲
۱۰۵	..... عقل فعال، موجد نفوس انسانی ۴-۵-۲-۱
۱۰۶	..... ارتباط مراتب عقل نظری با عقل فعال ۴-۵-۲-۲
۱۰۹	..... تطبیق و بررسی ۴-۵-۳
۱۰۹	..... نحوه ارتباط نفس ناطقه با عقل فعال ۴-۶-۶
۱۱۰	..... اتحاد عاقل و معقول ۴-۶-۱
۱۱۰	..... مفهوم اتحاد ۴-۶-۱-۱

۱۱۱	..... ۴-۶-۱-۲- انواع اتحاد
۱۱۳	..... ۴-۶-۱-۳- دیدگاه ابن سینا
۱۱۶	..... ۴-۶-۱-۴- دیدگاه ملاصدرا
۱۱۹	..... ۴-۶-۱-۵- تطبیق و بررسی
۱۲۱	..... ۴-۶-۲- اتحاد نفس با عقل فعال
۱۲۱	..... ۴-۶-۲-۱- دیدگاه ابن سینا
۱۲۳	..... ۴-۶-۲-۲- دیدگاه ملاصدرا
۱۲۵	..... ۴-۶-۲-۳- تطبیق و بررسی
۱۲۶	..... ۴-۶-۳- نقش عقل فعال در مسئله نبوت
۱۲۶	..... ۴-۶-۳-۱- دیدگاه ابن سینا
۱۲۸	..... ۴-۶-۳-۲- دیدگاه ملاصدرا
۱۳۱	..... ۴-۶-۳-۳- تطبیق و بررسی
۱۳۲	..... ۴-۷- خلاصه فصل
۱۳۴	..... نتیجه گیری
۱۳۸	..... منابع

## فهرست جداول

صفحه

عنوان

- ۱-۲- جدول مربوط به قوای نفس بر حسب تقسیم ابن سینا..... ۳۴
- ۲-۲- جدول مربوط به نشئات ادراکی نفس از دیدگاه ملاصدرا..... ۴۸
- ۱-۳- جدول مربوط به مراتب عقل عملی از دیدگاه ملاصدرا..... ۶۸
- ۲-۳- جدول مربوط به اقسام عقل بر اساس تقسیم ابن سینا و ملاصدرا..... ۸۴

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- طرح پژوهش

### ۱-۱-۱- شرح و بیان مسأله

مسأله عقل یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل فلسفه بوده و می‌باشد و از دیرباز ذهن اندیشمندان و حکما را به خود مشغول داشته است. ابن‌سینا و ملاصدرا دو فیلسوف بزرگ اسلامی، به بحث و فحص پیرامون عقل پرداخته‌اند. مکتب فلسفی ابن‌سینا و ملاصدرا به کلی بیگانه از هم نیستند، بلکه ملاصدرا در برخی موارد، متأثر از ابن‌سیناست و در واقع دنباله رو او محسوب می‌گردد و در مواردی دیگر از او جدا می‌شود و در صدد نقد دیدگاه ابن‌سینا بر می‌آید. مسأله عقل نیز از چنین فرایندی به دور نیست.

ابن‌سینا و ملاصدرا برای عقل که به نظر آن‌ها از قوای نفس انسانی به شمار می‌رود، قائل به دو قوه نظری و عملی شده‌اند. آن‌ها برای عقل نظری چهار مرتبه قائل هستند: عقل هیولانی، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد. از دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا، نفس انسانی برای به استكمال رسیدن بایستی مراتب چهارگانه را پشت سر بگذارد؛ اما با وجود اشتراک نظری که با هم دارند، بین این دو فیلسوف اختلاف مبنایی و متافیزیکی عمده‌ای وجود دارد؛ زیرا برای ابن‌سینا از همان اول بُعد نفسانی انسان جدای از جسم و مجرد از آن است؛ البته دارای مراتبی است که عقل بالقوه پایین‌ترین آن است؛ اما برای ملاصدرا انسان در ابتدای حدوث یک موجود جسمانی و قوه هیولانی است و با حرکت ذاتیه جوهریه مراتب گوناگون کمال را به تدریج پشت سر می‌گذارد و از حالت بالقوه به حالت بالفعل در می‌آید و مجرد می‌شود.

آن‌ها در نحوه استكمال و به فعلیت رسیدن عقل انسان، سخن از «عقل فعال» به عنوان موجود مجرد تام و مستقل از انسان به میان می‌آورند و نحوه رابطه نفس با عقل فعال را تبیین می‌کنند. عقل فعال سینوی و صدرایی جایگاه برجسته‌ای را در حوزه معرفت‌شناسی به خود اختصاص داده است.

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه موضوع می‌توان به پایان‌نامه‌ها و مقالات ذیل اشاره کرد. پایانامه‌ها: پایانامه‌هایی از جمله: «عقل و خیال در حکمت متعالیه صدرالمتألهین و تأثیر مبانی عرفان نظری ابن‌عربی در آن» در مقطع دکتری فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تربیت مدرس از بهزاد مرتضایی، «بررسی تطبیقی نظریه عقل فعال در فلسفه ابن‌سینا و توماس آکویناس» در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان از حسن احمدی زاده، «جایگاه وجودشناختی و معرفت‌شناختی عقل فعال در فلسفه مشاء» در مقطع

کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس از نرگس شکوری، «اتحاد عاقل و معقول و عقل از دیدگاه فلاسفه اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از حسینعلی کیخواه، «حقیقت عقل در فلسفه اسلامی و حدیث» در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد از حبیب الله دانش شهرکی، «عقل و وحی در حکمت متعالیه صدرالمتألهین» در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم (ع) از افتخار یوسفی روشناوندی به تحریر در آمده است.

مقالات: مقاله‌هایی با عنوان «ارادی بودن تعقل در پرتو عقل فعال نزد فارابی و ابن سینا» از جلیله علم الهدی در مجله حکمت سینوی (مشکوه النور)، «معرفت عقلی و شناخت فطری نزد ابن سینا» از علی اصغر خندان در مجله اندیشه حوزه، «مراتب عقل در ارسطو و ابن سینا» از علی اصغر جعفری ولنی در مجله خردنامه، «عقل فلسفی از دیدگاه ملاصدرا و اسپینوزا» از آصف لعلی در مجله سفیر و «اتحاد نفس با عقل فعال از دیدگاه صدرالمتألهین» از مهدی عبدالهی در مجله آینه معرفت نگاشته شده است.

در رساله حاضر سعی بر آن است که دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در خصوص مراتب عقل انسانی و ارتباط آن با عقل فعال مطرح گردد و به بیان وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه این دو فیلسوف اسلامی پرداخته شود؛ لذا کاری که ما در این رساله به انجام می‌رسانیم متفاوت از کارهایی است که تاکنون صورت گرفته است.

### ۱-۱-۳- اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان نامه

بررسی تاریخ تطور مسئله عقل نمایانگر این است که عقل یکی از مهمترین مسائل در تاریخ فلسفه است. عقل و چگونگی مراتب آن از جمله اموری است که همیشه میان فیلسوفان مختلف بحث برانگیز بوده و هر کدام بر مبنای نوع نگرش خود نسبت به انسان، عقل را به گونه‌ای تعریف کرده و برای آن وجود و مراتب خاصی قائل شده‌اند.

عقل به عنوان وجه ممیز انسان از سایر حیوانات است و در معرفت شناسی و هستی شناسی ما نقش دارد؛ اما عقل به عنوان نیرو و قوه خاص بشری چندان شفاف نیست؛ یعنی نیاز به تبیین و تحلیل دارد که این رویکردی است که در این رساله به آن پرداخته می‌شود.

اهمیت و کاربرد فراهم آوردن پژوهش حاضر ارائه یک منبع جامع و مختصر از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در خصوص مسئله مراتب عقل انسان و ارتباط آن با عقل فعال است تا بدین وسیله طالبان فلسفه بتوانند با وضوح بیشتری از دیدگاه دو فیلسوف بزرگ اسلامی مطلع گردند.

### ۱-۱-۴- سؤالات پژوهش

۱- بنابر دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا عقل انسان دارای چند مرتبه است؟

۲- ماهیت عقل فعال از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا چیست؟



۳- ارتباط مراتب عقل انسان با عقل فعال چگونه است؟

۴- نقاط اشتراک و افتراق ابن سینا و ملاصدرا در باب مراتب عقل انسان و ارتباط آن با عقل فعال چیست؟

### ۱-۱-۵- روش تحقیق

از آنجا که این تحقیق با بررسی کتب مختلف و منابع و مراجع معتبر به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته است و این کار جز با مراجعه به کتابخانه میسر نیست؛ لذا برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای استفاده گردیده است و روشی که در این تحقیق استفاده شده است، روش تحلیلی - توصیفی است و بررسی و استخراج نمونه‌ها به روش فیش برداری می‌باشد.

### ۱-۱-۶- اهداف

- ۱- ارائه دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا درباره عقل انسان و مراتب آن.
- ۲- بررسی دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا درباره فیض رسانی عقل فعال به عقل انسان.
- ۳- تبیین نقاط اشتراک و اختلاف دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در خصوص عقل انسان.

### ۱-۲- واژه شناسی

#### ۱-۲-۱- معنای لغوی عقل

در تاج العروس، عقل به معنای علم، ملجأ و پناهگاه، حصن، امساک و نهی کردن و قلب آمده است و آن ضد حُقم دانسته شده است، همچنین آن علم به صفات اشیاء از قبیل حسن و قبح و کمال و نقصان آن‌هاست و در ادامه عقل به معنای قوه‌ای است که بین حسن و قبح تمیز قائل می‌شود و آن دو را از یکدیگر باز می‌شناسد (حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۵۰۴).

در مجمع البحرین، عقل نوری روحانی دانسته شده که نفس به وسیله آن، علوم بدیهی و نظری را درک می‌کند (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۲۵).

در لسان العرب، عقل به معنای نهی و ضد جهل است و جمع آن عقول است و عقل همان قلب است، همچنین نیرویی است که امور را تثبیت می‌کند و مرد عاقل، کسی است که بر کار و اندیشه‌اش احاطه داشته باشد؛ این معنا از عقال شتر اخذ شده است که در بستن زانوانش به کار می‌رود و گفته شده: عاقل کسی است که نفس خود را حبس کرده و از هوس‌ها باز می‌دارد؛ این معنا از عقال زبان که به معنای باز داشتن آن است، اخذ شده است و عقل قوه‌ای است که به واسطه آن انسان از سایر حیوانات متمایز می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۵۹-۴۵۸).

ابن فارس در باره ماده عقل می گوید:

ماده عقل ریشه‌ای واحد، قیاسی و فراگیر است که اکثر موارد کاربرد آن بر باز داشتن یا معنایی نزدیک به آن درباره اشیا دلالت می کند. عقل از همین معنی برگرفته است و عقل از گفتار و رفتار ناپسند باز می دارد<sup>۱</sup>.

جرجانی می گوید: عقل صاحبش را از انحراف از راه راست منع می کند (جرجانی، ۱۳۶۸، ص ۶۵).

در فرهنگ المعجم البسيط، عقل بیشتر به مرکز یا قوه‌ای اطلاق می شود که به وسیله آن انسان اشیا را بر وجه حقیقی شان درک و از یکدیگر تمییز می دهد. هنگامی که در زبان عربی گفته می شود «ما فعلتُ هذا مُدْ عقلتُ»، یعنی از زمانی که به قوه تشخیص خوب و بد رسیدم، این کار را نکردم (بستانی، ۱۳۲۵، ص ۶۱۶).

مصطفوی مؤلف کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، پس از نقل عبارات لغویین بزرگ می گوید:

تحقیق مطلب آن است که یگانه اصل در ماده «عقل» عبارت است از: تشخیص صلاح و فساد در جریان زندگی مادی و معنوی و سپس حفظ نگه داشتن نفس بر آن است و از لوازم آن: خودداری، تدبیر، حسن فهم، ادراک، دوری کردن، شناخت نسبت به اموری که در زندگی مورد نیاز است و قرار گرفتن در دایره عدل و حق و حفظ کردن خود از هوس ها و تمایلات [نفسانی] می باشد.

این، حقیقت آن چیزی است که در احادیث گفته شده که برای آن لشکریان بسیاری است.

پس روشن می شود که تفسیرهای مذکور یا مجازند و یا تفسیر شیء به لوازم آن است.

و «تشخیص و ضبط» یا در مورد نفس خود بوده که گفته می شود «عقل یعقل فهو عاقل» و یا نسبت به موجود دیگر است، مانند شتر و قصاص مقتول که گفته می شود: «عقلت البعیر» شتر را بستم تا سرکشی و چموشی نکند و هنگامی که صلاح و کار لازم در پرداخت دیه مقتول باشد، گفته می شود: «عقلت الدیه أو القتل» تا نپرداختن دیه، سبب خروش هیجان از سوی ورثه و غیر آنان نگردد<sup>۲</sup>.

مشتقات عقل: در فرهنگ معارف اسلامی در خصوص اطلاقات و تعبیراتی که برای مشتقات عقل شده است، چنین آمده است:

«تعقل» یعنی «تکلف العقل» که با سختی و دشواری امری را دریابد.

---

۱- العین و القاف و اللام أصل واحد منقاس مطرد، يدلُّ عَظْمُهُ على حُبْسِهِ في الشَّيْءِ أو ما يقارب الحبسه. من ذلك القل، و هو الحابس عم ذميمة القول و الفعل (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۶۹).

۲- و التحقیق: أنَّ الأصل الواحد في الماده: هو التشخيص الصلاح و الفساد في الجريان الحياه مادياً و معنوياً ثمَّ ضبط النفس و حسبه عليها. و من لوازمه: الإمساك، التدبیر، و حسن الفهم، و الادراک، و الانزجار، و معرفه ما يحتاج إليه في الحياه، و التحصن تحت برنامج العدل و الحق، و التحفظ عن الهوى و التمایلات. و هذا حقیقه ما ورد في الاحادیث من أنَّ له جنوداً كثيره. فظهر أنَّ التفاسیر المذكوره: اما مجازات أو باللوازم.

ثمَّ إنَّ التشخيص و الضبط اما بالنسبه إليه فيقال عقل یعقل فهو عاقل. و اما بالنسبه إلى موجود آخر كالبعير و القود في القتل، فيقال - عقلت البعير لئلا يثور و حفظاً له من الطغيان. و عقلت الدیه أو القتل إذا تعین الصلاح و تشخص العمل اللازم في تأديه عن القتل لئلا يوجب ثوراناً و هیجاناً من الجانب الورثه أو غیرهم (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۱۹۶).

«عاقول» گیاهی است که شتر خورد. «عقال» آنچه شتر را به آن بندند. «عقل» آنچه را با او سر حیوان را بندند و عقل را از آن جهت عقل گویند که دارنده خود را از ذلالت نگاه دارد. معقول هم به معنی عقل آمده است. «اعتقل لسانه» یعنی قادر بر سخن گفتن نیست و بالجمله.

عَقِيلَةٌ: زنان مخدره را گویند. عَقِيلَةُ الْقَوْمِ: رئیس و بزرگ قوم را گویند. عَقَائِلُ إِنْسَانٍ: کرائم مال و ثروت او را گویند. عاقولُ الْبَحْرِ: موج دریا را گویند. عَقْلَ الدَّوَاءِ بطنه: یعنی دارو شکم او را بند آورد. الغلام يَعْقِلُ عَقْلًا: یعنی پسر بحد کمال و عقل رسیده و اکنون عاقل شده است. الوَعْلُ عَقْلٌ عَقُولًا: یعنی قوچ کوهی بر بالای کوه رفت. عَقْلٌ لَهُ دَمٌ: یعنی صاحب دم دیه آن را ترک کرد. اعْقَلَ الرَّجُلُ: یعنی بر مرد زکات سال واجب شد. تَعَاقَلَ الرَّجُلُ: مردی را گویند که خود را خردمند می‌داند. اعْتَقَلَ لِسَانَهُ عَلَي الْمَجْهُولِ: یعنی زبان خود را از گفتن آنچه نمی‌داند، نگه‌داشت. عَقُولٌ: کسی را گویند که امور را دریافته و ادراک کند و دوائی که شکم را بند آورد. عَقِيلٌ: یعنی معقول. أعقل: یعنی کسی که او را عقل زیاد باشد. عَقَالٌ: مرضی است که عارض بر پای اسب شود و موجب انقباض آن گردد. عَقَالٌ: گیاهی است بنام سعدانه. عاقِلَه: یعنی ماشطه. زن دانا. عَقَلَتِ الْمَرْأَةُ شَعْرَهَا: یعنی زن موهای خود را شانه کرد. وَ هُمْ عَلَي مَعَاقِلِهِمُ الْأُولَى: یعنی آنان بر دیه‌های زمان جاهلیت می‌باشند. عاقِلَةُ الرَّجُلِ: خویشان و نزدیکان مرد را گویند (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲۶۹).

خلاصه کلام آن است که در کتب اهل لغت لفظ عقل دارای معانی متعددی است، مهمترین معانی آن عبارت است از: امساک، باز داشتن، جلوگیری کردن، منع، نهی و نیز فهم، تدبیر، درک و معرفت می‌باشد. می‌توان گفت در تمام کلماتی که از لغت عقل مشتق شده است، مفهوم باز ایستادن و درک در مورد انسان اخذ می‌شود.

## ۱-۲-۲- معنای اصطلاحی عقل

عقل از جمله اصطلاحاتی است که مشترک لفظی است و اغلب اندیشمندان و عالمان با توجه به گرایش‌های فکری خود یک یا چند معنی برای آن بیان کرده‌اند.

### ۱-۲-۲-۱- عقل در اصطلاح فلاسفه (فارابی و علامه طباطبایی)

در این قسمت به بررسی تعریف عقل از دیدگاه برخی از فلاسفه اسلامی (فارابی و علامه طباطبایی) پرداخته می‌شود.

فارابی: ابو نصر فارابی (۲۵۷-۳۲۸ هـ. ق) فیلسوف بزرگ اسلامی، در خصوص مسئله عقل توانست مکتبی روشن و دستگامی صحیح و منسجم بنا نهد؛ به گونه‌ای که نظریه فارابی در مورد عقل در فلسفه اسلامی تأثیر عمیقی داشته است.

فارابی شش معنای مختلف برای عقل ذکر کرده است که عبارتند از:

۱- معنای متعارف عقل که عامه مردم در گفتگوی خود به کار می‌برند و بدین معنا برخی از مردم را عاقل می‌نامند.

۲- معنای مصطلح نزد متکلمان، آنجا که می‌گویند: عقل چنین ایجاب می‌کند یا عقل این مطلب را رد می‌کند.

۳- معنای مصطلح در منطق که ارسطو در کتاب برهان آورده است.

۴- معنای مصطلح در اخلاق که ارسطو در مقاله ششم از کتاب اخلاق آورده است.

۵- معنای مصطلح در کتاب نفس.

۶- معنای مصطلح در کتاب مابعدالطبیعه ارسطو.

چهار معنای اول خارج از موضوع روانشناسی عقلی و فلسفه اولی است و تنها دو معنای آخر به موضوع بحث فلسفی مرتبط است (داوودی، ۱۳۴۹، ص ۲۳۸-۲۳۹).

فارابی قوه ناطقه را به دو عقل تقسیم می‌کند: عقل نظری و عقل عملی.

وی در تعریف این عقل نظری و عملی چنین می‌گوید:

عقل نظری آن است که انسان به وسیله آن علمی را که منشأ عمل نیستند، کسب می‌کند؛ اما عقل عملی آن

است که انسان به وسیله آن، چیزهایی را می‌شناسد که منشأ عمل ارادی هستند<sup>۱</sup>. به عبارت دیگر، نفس به وسیله

عقل عملی اعمال جزئی حال و آینده را انجام می‌دهد و عقل نظری، سبب علم نفس به جزئیات می‌شود<sup>۲</sup>.

عقل نظری دارای سه مرتبه است: عقل هیولانی، عقل بالملکه و عقل مستفاد.

۱- عقل هیولانی: فارابی عقل هیولانی را عقل بالقوه نامیده است و آن، نوعی نفس یا جزئی از نفس یا

قوه‌ای از قوای نفس یا چیزی است که ذات آن معد یا مستعد این است که ماهیات و صور همه موجودات را

از مواد آنها انتزاع کند، تا آن صور را به عنوان صورت آن مواد در نظر بگیرد.

۲- عقل بالفعل یا عقل بالملکه: چون معقولات در عقل فعلیت یافتند، ملکه او می‌شوند و عقل نسبت به آن

معقولات عقل بالفعل می‌گردد؛ ولی نسبت به معقولاتی که هنوز تعقل نکرده، بالقوه است و چون آنها را

تعقل کرد، نسبت به آنها هم بالفعل می‌گردد و چون عقل آن معقولات مجرد از ماده را که در او حاصل

شده‌اند تعقل کند، چیزی خارج از ذات خود را تعقل نکرده است و در این حال از مرتبه بالفعل به مرتبه عقل

مستفاد منتقل می‌شود.

۳- عقل مستفاد: عقل بالفعلی است که معقولات مجرد را تعقل کرده و قادر به درک صور مفارقه شده

است. فرق میان معقولات مجرد و صور مفارقه این است که نخستین در ماده بوده و از آن انتزاع شده است و

دومی که همواره مفارقه بوده، هیچگاه در ماده نبوده است؛ مانند عقول سماوی و عقل بالفعل و به درجه

---

۱- فالنظریه هی التي يحوز بها الإنسان علم ما ليس شأنه أن يعمله إنسان أصلاً. و العمليه هي التي بها يعرف ما شأنه أن يعمله الإنسان بإرادته (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۲۴).

۲- و كانت العمليه هي التي شأنها أن تفعل الجزئيات الحاضره و المستقبله، و النظرية هي التي شأنها أن تعقل المعقولات التي شأنها أن تعلم (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۰۷).